**یکشنبه 13/8/1403-30ربیع الثانی 1446-3نوامبر 2024-درس 33 فقه القیادة (فقه رهبری سازمانی )-ارکان قیادت – نفوذ و هدایت – احکام هدایت پذیری کارکنان – شروط هدایت پذیری – یقین شرط کمال هدایت پذیری –**

**مساله 24:یقین به مبانی و اصول و اهداف سازمان، شرط کمال هدایت پذیری کارکنان در مسیر تعالی سازمانی است**

**شرح مساله: معلوم شد که تقوی شرط قبولی عمل است لظهور التعلیل فی قوله تعالی :" انما یتقبل الله من المتقین "**[[1]](#footnote-1) **و نیز شرط قبول هدایت از سوی مهتدی است لعموم :" هدی للمتقین" ونیز از آثار هدایت است لقوله تعالی “أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَداني‏ لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقينَ"[[2]](#footnote-2)**

**ایمان هم شرط هدایت است لقوله تعالی :" من یومن بالله یهد قلبه"[[3]](#footnote-3) و"فان آمنوا بمثل ما آمنتم به فقد اهتدوا"[[4]](#footnote-4) و "یهدیهم ربهم بایمانهم "[[5]](#footnote-5)**

**و از سوی دیگر صحیحه وشاء ظاهر در افضلیت تقوی از ایمان است "االتقوی افضل من الایمان بدرجه "**[[6]](#footnote-6)

**در نتیجه ایمان و تقوی هر دو شرط اهتداء هستند و لی اهتداء ناشی از تقوی افضل و ازید از اهتداء ناشی از ایمان است لقوله تعالی :"و الذین اهتدوا زادهم هدی و آتیهم تقویهم"[[7]](#footnote-7) یعنی اول اهتداء ایمانی است که به اثر تقوایی می انجامد و سپس این تقوای اثری شرط میشود برای اهتداء بالاتر و زیاد تر لعموم قوله تعالی :" هدی للمتقین " و این تقوی شرط قبول هر عمل است من جمله عمل سازمانی مثل اهتداء که گفته شد فعلی سازمانی است یعنی کارمند خود را با اختیار در معرض هدایت هادیان سازمانی قرار دهد که با رهبری رفتاری سازمانی عامل هدایت کارکنان میشوند وآنها هم موظفند این هدایت را بپذیرند لظهور قوله تعالی :" فبهداهم اقتده"[[8]](#footnote-8)**

**پس ایمان شرط اولیه اهتداء و تقوی شرط ثانویه اهتداء و نیز شرط قبول آن است و با توجه به این که هدایت مقبوله را در نوبت قبل توضیح دادیم**

**حال باید شرطیت یقین[[9]](#footnote-9) را برای اهتداء روز افزون و رو به تزاید که کامل ترین نوع هدایت یابی است را مورد تفقه قرار دهیم: [[10]](#footnote-10)**

**فرد موقن، به هدایت برتر و کامل افتاده و هر گامی که در راه مینهد بیش تر هدایت میشود و این طبیعی است[[11]](#footnote-11) و دارای سرمایه ای بافضیلت و نورانی است[[12]](#footnote-12)**

**یک نکته هست که در حکمت 31 نهج البلاغه یقین یکی از چهار پایه و دعامه ایمان محسوب شده است مراد چیست؟ در این که یقین از ایمان افضل است تردیدی نیست و نیز پایه بودن به معنای مفضولیت نیست ریشه و پایه مهمتر از تنه و شاخه است زیرا مایه بقاء آن است . و میتوان گفت که مبقی بالاتر از باقی است . و تفسیر آن در مانحن فیه این است که فرد موقن که به کمال هدایت راه یافته است دائما رو به هدایت بیش تر است زیرا کمال، بیکران است و مرتب به اکمل بدل میشود .زیرا یقین مثل ایمان روبه اکملیت و افضلیت است :لظهور قوله ع :" واجعل یقینی افضل الیقین "[[13]](#footnote-13) که از علم الیقین به عین الیقین و حق الیقین منتهی میشود [[14]](#footnote-14) و افضل الیقین لابد حق الیقین است . و از سوی دیگر در همین دعا هست که:" بلغ ایمانی اکمل الایمان" لذا میتوان استنباط کرد که اکمل الایمان مبتنی بر افضل الیقین است . این ایمان است که بدرجاتی اکمل و افضل میشود و با یقین استوار میشود یقینی که خود دارای درجاتی از از افضلیت است وباعث اکملیت ایمان میشود هر درجه اش . (والله العالم)**

**واما نسبت به هدایت میتوان تقوی را شرط قبول و یقین را شرط کمال آن دانست یعنی کمال اهتداء که باید دید که در سازمان چگونه بومی سازی میشود :**

1. **احاطه کامل بر اصول ،مبانی و اهداف سازمان**
2. **قرار گرفتن مطلوب در طریق مستقیم سازمانی**
3. **دیدن چشم انداز**
4. **مدیریت آینده مثل مدیریت حال**
5. **اندیشه ورزی دائم برای بهبود مستمر امور سازمان**
6. **دانش بنیان کردن اداره امور به نحو متقن**
7. **اتقان در برنامه ریزی**
8. **تصمیمات متقن و محکم و موثر وراه گشا**
9. **اقدامات متقن**
10. **یقین به تحقق آرمانها و اهداف**
11. **عالی ترین درجات انگیزش**
12. **بهره مندی از معنویت عالی**
13. **رشد روز افزون و عالی**
14. **امید ،اطمینان ،آرامش ورضایت در درون نسبت به تحقق چشم انداز و اسناد بالادستی**
15. **آرمانگرایی در عین واقع گرایی**
16. **توکل بالا در اقدام پس از تصمیم گیری و عزم[[15]](#footnote-15)**
17. **رضایت به پیش آمدها [[16]](#footnote-16)**
18. **تفویض امور اداره به خداوند [[17]](#footnote-17)**
19. **خود را در محضر خدا دیدن در کلیه حالات مدیریتی[[18]](#footnote-18)**
20. [**آرامش روحی**](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86#%D8%A2%D8%B1%D8%A7%D9%85%D8%B4%20%D8%B1%D9%88%D8%AD%DB%8C)**[[19]](#footnote-19)**
21. [**- صبر**](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86#%D8%B5%D8%A8%D8%B1)**[[20]](#footnote-20)**
22. **اخلاص**[[21]](#footnote-21)
23. [**زهد**](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86#%D8%B2%D9%87%D8%AF)**[[22]](#footnote-22)**
24. [**توکّل**](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86#%D8%AA%D9%88%DA%A9%D9%91%D9%84)**[[23]](#footnote-23)**
25. [**- رضا و تسلیم**](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86#%D8%B1%D8%B6%D8%A7%20%D9%88%20%D8%AA%D8%B3%D9%84%DB%8C%D9%85)**[[24]](#footnote-24)**
26. [**۶.۷ - آسان شدن انفاق**](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86#%D8%A2%D8%B3%D8%A7%D9%86%20%D8%B4%D8%AF%D9%86%20%D8%A7%D9%86%D9%81%D8%A7%D9%82)**[[25]](#footnote-25)**

**امام راحل هم آثاری را بر یقین می افزاید[[26]](#footnote-26)مانند** - [توحید فعلی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AA%D9%88%D8%AD%DB%8C%D8%AF_%D9%81%D8%B9%D9%84%DB%8C)، [سکون](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D9%86) و [آرامش](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A2%D8%B1%D8%A7%D9%85%D8%B4) ،[اصلاح نفس](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD_%D9%86%D9%81%D8%B3)، رضا به قضای الهی ،گناه نکردن

جمع بندی : مجموعه این آثار باعث تسهیل و تیسیر در اداره امور سازمان و پیش برنده امور است و تطبیق بر مانحن فیه به این گونه است که یقین به مبانی ، اصول و اهداف سازمان شرط کمال هدایت پذیری مهتدیان و مقتدیان سازمان است دارای چنین آثار بلند والایی است یعنی مهتدی موقن به این آثار دست مییابد آیا این یقین لازم التحصیل است بر مهتدیان یا نه را در نوبت بعد به بحث میگذاریم انشا ء الله .

فتحصل : **یقین به مبانی و اصول و اهداف سازمان، شرط کمال هدایت پذیری کارکنان در مسیر تعالی سازمانی است و موجب بهره مندی مهتدی موقن از آثار والای یقین در اداره امور خواهد شد .**

1. المائدة : 27 وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبا قُرْباناً فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِما وَ لَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قالَ إِنَّما يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقينَ [↑](#footnote-ref-1)
2. زمر 57 [↑](#footnote-ref-2)
3. التغابن : 11 ما أَصابَ مِنْ مُصيبَةٍ إِلاَّ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ مَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْ‏ءٍ عَليمٌ [↑](#footnote-ref-3)
4. البقرة : 137 فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ ما آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّما هُمْ في‏ شِقاقٍ فَسَيَكْفيكَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ [↑](#footnote-ref-4)
5. يونس : 9 إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ يَهْديهِمْ رَبُّهُمْ بِإيمانِهِمْ تَجْري مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهارُ في‏ جَنَّاتِ النَّعيمِ [↑](#footnote-ref-5)
6. الكافي (ط - الإسلامية) / ج‏2 / 51 / باب فضل الإيمان على الإسلام و اليقين على الإيمان ..... ص : 51

   2- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ‏ الْإِيمَانُ فَوْقَ الْإِسْلَامِ بِدَرَجَةٍ وَ التَّقْوَى فَوْقَ الْإِيمَانِ بِدَرَجَةٍ وَ الْيَقِينُ فَوْقَ التَّقْوَى بِدَرَجَةٍ وَ مَا قُسِمَ فِي النَّاسِ شَيْ‏ءٌ أَقَلُّ مِنَ الْيَقِينِ. [↑](#footnote-ref-6)
7. 17محمد [↑](#footnote-ref-7)
8. أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ ۖ فَبِهُدَاهُمُ اقْتَدِهْ ۗ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا ۖ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرَىٰ لِلْعَالَمِينَ [↑](#footnote-ref-8)
9. یقین، ‌عبارت است از اعتقاد ثابت و قطعی [انسان](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%A7%D9%86) به امری که مطابق با واقع بوده و با هیچ شبهه‌ای، هر قدر هم قوی، قابل زوال نباشد. [۱]یقین در دین به منزله سرمایه است و [ایمان](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%DB%8C%D9%85%D8%A7%D9%86) متوقف بر آن می‌باشد. سایر علوم شاخ و برگ آن است و [رستگاری](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B1%D8%B3%D8%AA%DA%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C" \o "رستگاری" \t "_blank) در [آخرت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A2%D8%AE%D8%B1%D8%AA) بدون یقین حاصل نمی‌شود [↑](#footnote-ref-9)
10. # **شرح حکمت ۳۱ نهج البلاغه ـ پایه‌های ایمان**

    وَ سُئِلَ ( عليه السلام ) عَنِ الْإِيمَانِ فَقَالَ:الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمَ عَلَى الصَّبْرِ وَ الْيَقِينِ وَ الْعَدْلِ وَ الْجِهَادِ (ا

    ز امام علی علیه السلام در مورد ایمان، سؤال کردند. آن حضرت فرمود:)ايمان بر چهار پايه استوار است: صبر، يقين، عدل و جهاد. [↑](#footnote-ref-10)
11. یقین در لغت [علم](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%84%D9%85" \o "علم" \t "_blank) [۲] است که نقطه مقابل" [شک](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%DA%A9) " می‌باشد و طبق آنچه از اخبار و [روایات](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B1%D9%88%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D8%AA" \o "روایات" \t "_blank) استفاده می‌شود به مرحله عالی [ایمان](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%DB%8C%D9%85%D8%A7%D9%86) " یقین" گفته می‌شود

    [[۳]](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot3)

     و در اصطلاح، یقین اعتقاد و باور محکم و استواری است که مطابق با حقیقت باشد و به هیچ وجه امکان زوال و احتمال خلاف در او راه ندارد.

    [[۴]](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot4)

     به طوری‌که [انسان](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%A7%D9%86) همه چیز را از مسبّب‌الاسباب بداند و به اسباب توجّه نکند بلکه واسطه‌ها را مسخّر حقّ و فاقد هر حکم و [قدرت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%AF%D8%B1%D8%AA" \o "قدرت" \t "_blank) بداند و کسی که بر این اعتقاد باشد دارای یقین است.

    [[۵]](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot5)

    **[۱.۱ - نظر علّامه طباطبایی](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "%D9%86%D8%B8%D8%B1%20%D8%B9%D9%84%D9%91%D8%A7%D9%85%D9%87%20%D8%B7%D8%A8%D8%A7%D8%B7%D8%A8%D8%A7%DB%8C%DB%8C" \o "نظر علّامه طباطبایی)**

    «یقین به معنی قوت ادراک ذهنی است، به طوری که قابل زوال و ضعف نباشد»

    [[۶]](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot6)

    مورد و متعلّق یقین یا مربوط است به چیزی که از لوازم و اجزاء [ایمان](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%DB%8C%D9%85%D8%A7%D9%86) است مانند اعتقاد به وجود خداوند تبارک و تعالی و [بعثت انبیا](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A8%D8%B9%D8%AB%D8%AA_%D8%A7%D9%86%D8%A8%DB%8C%D8%A7" \o "بعثت انبیا" \t "_blank) و [عالم آخرت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D8%A7%D9%84%D9%85_%D8%A2%D8%AE%D8%B1%D8%AA" \o "عالم آخرت" \t "_blank)، و یا مربوط به اموری است که دخالتی در ایمان ندارد و آنچه در کمال انسان و رسیدن او به [سعادت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D8%AA" \o "سعادت" \t "_blank) نقش دارد، قسم اول است و آن یقین داشتن به این است که تمام امور هستی به دست خداست و او مسبّب‌الاسباب می‌باشد؛ هیچ‌گونه توجهی به غیر او نداشته بلکه همه اسباب و وسائط را مسخّر فرمان و حکم خدا بداند.  
    بداند که خدا ضامن روزیِ اوست و هر چه را او مقدّر کرده می‌رسد، و در نتیجه طمعی به دیگران نداشته باشد.  
    بداند که نتیجه تمامی اعمال خوب و بد خود را می‌بیند و خدای شاهد و ناظر بر اعمال، ‌خود حاکم [روز قیامت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B1%D9%88%D8%B2_%D9%82%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%AA" \o "روز قیامت" \t "_blank) است. و حتی از خاطرات قلبی انسان نیز آگاه است. این حقیقت یقین است.  
    کسی‌که دارای چنین یقینی باشد به لوازم آن نیز ملتزم می‌شود، زیرا تفاوت میان ایمان و یقین به همین است که چه بسا انسان ایمان به چیزی دارد ولی بعضی از لوازم آن را فراموش می‌کند و در نتیجه، عمل منافی با ایمانش انجام می‌دهد، به خلاف یقین که دیگر با فراموشی نمی‌سازد، زیرا اگر کسی عالم و [مؤمن](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%A4%D9%85%D9%86" \o "مؤمن" \t "_blank) به [روز حساب](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B1%D9%88%D8%B2_%D8%AD%D8%B3%D8%A7%D8%A8" \o "روز حساب" \t "_blank) باشد و همواره به یاد آن روزی باشد، که به حساب کوچک و بزرگ اعمالش می‌رسند، مرتکب گناهان نگردیده بلکه نزدیک قُرق‌گاه‌های خدا هم نمی‌شود [↑](#footnote-ref-11)
12. ۱- هیچ نوری همچون نور یقین نیست.

    [[۱۷]](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot17)

    ۲- یقین از ایمان و [اسلام](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85" \o "اسلام" \t "_blank) با فضیلت‌تر است.

    [[۱۸]](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot18)

    ۳- عمل کم و همیشگی با یقین بهتر از اعمال زیاد بدون یقین است.

    [[۱۹]](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot19)

    ۴- چیزی گرامی‌تر و عزیزتر از یقین نیست.

    [[۲۰]](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot20)

    ۵- بهترین چیزی که به قلب داده شده، یقین است.

    [[۲۱]](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot21)

    ۶- خیری که همواره در قلب جای دارد، یقین است.

    [[۲۲]](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot22)

    ۷- یقین ثروتی است که از همه چیز کفایت می‌کند.

    [[۲۳]](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot23)

    ۸- اهل یقین مورد غبطه دیگران می‌باشد.

    [[۲۴]](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot24)

    ۹- کمتر از یقین چیزی بین مردم تقسیم نشده است.

    [[۲۵]](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot25)

    ۱۰- با ارزش‌ترین چیزی که در دل انسان راه می‌یابد، یقین است.

    [[۲۶]](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot26)

    ۱۱-رأس دین، درستی یقین است. 27 [↑](#footnote-ref-12)
13. کانَ مِنْ دُعَائِهِ علیه‌السلام فِی مَکارِمِ الْأَخْلَاقِ وَ مَرْضِی الْأَفْعَالِ:اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ بَلِّغْ بِإِیمَانِی أَکمَلَ الْإِیمَانِ، وَ اجْعَلْ یقِینِی أَفْضَلَ الْیقِینِ، وَ انْتَهِ بِنِیتِی إِلَی أَحْسَنِ النِّیاتِ، وَ بِعَمَلِی إِلَی أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ. اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِک نِیتِی، وَ صَحِّحْ بِمَا عِنْدَک یقِینِی، وَ اسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِک مَا فَسَدَ مِنِّی. دعای 20 صحیفه در بارخدایا بر محمد و آلش درود فرست، و ایمانم را به درجه کامل‌ترین ایمان رسان، و یقینم را برترین یقین گردان، و نیتم را به بهترین نیت‌ها منتهی ساز، و کردارم را به بهترین کردارها تبدیل کن. بارخدایا، نیتم را به لطف خود کامل و خالص گردان، و یقینم را بدان گونه که دانی به راه صحت بر، و تباهی کارم را به قدرتت اصلاح کن. [↑](#footnote-ref-13)
14. یقین جامع همه فضایل است وخود دارای مراتبی است:  
    ۱- علم‌الیقین و آن این است که انسان از دلائل مختلف به چیزی ایمان آورد مانند کسی که با مشاهده دود ایمان به وجود آتش پیدا می‌کند.  
    ۲- عین‌الیقین و آن در جایی است که انسان به مرحله مشاهده می‌رسد و با" چشم" خود مثلا آتش را مشاهده می‌کند.  
    ۳- حق‌الیقین و آن همانند کسی است که وارد در آتش شود و سوزش آن را لمس کند و به صفات آتش متصف گردد و این بالاترین مرحله یقین است.

    [[۹۳]](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot93) [↑](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot-main93)[مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج‌۲۷، ص۲۸۵، تهران‌، ‌دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش، اول.](http://lib.eshia.ir/27575/27/309/%D9%85%D8%B1%D8%A7%D8%AA%D8%A8%D9%89)

    [امام خمینی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AE%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C) مراتب یقین را سه مرتبه می‌داند: [علم الیقین](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%84%D9%85_%D8%A7%D9%84%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \o "علم الیقین" \t "_blank)، [عین الیقین](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%DB%8C%D9%86_%D8%A7%D9%84%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \o "عین الیقین" \t "_blank) و [حق الیقین](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%D9%82_%D8%A7%D9%84%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \o "حق الیقین" \t "_blank). البته از نگاه ایشان درجات یقین بی‌شمارند؛ مرتبه نازل یقین، [ادراک](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AF%D8%B1%D8%A7%DA%A9" \o "ادراک" \t "_blank) عقلی و علمی حصولی است که هنوز به مرتبه قلب نرسیده است؛ اما اگر این علم و یقین به قلب وارد شود به تدریج برای شخص [اطمینان](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B7%D9%85%DB%8C%D9%86%D8%A7%D9%86" \o "اطمینان" \t "_blank) حاصل می‌شود و در مرتبه‌ی بعد، چشم [ملکوتی](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%84%DA%A9%D9%88%D8%AA" \o "ملکوت" \t "_blank) او باز می‌شود و به [مشاهده](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B4%D8%A7%D9%87%D8%AF%D9%87" \o "مشاهده" \t "_blank) حضور می‌رسد.

    [[۹۴]](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot94) [↑](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot-main94)[خمینی، روح الله، سرّ الصلاة، ص۲۰-۱۹، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸.](https://lib.eshia.ir/11158/1/19/%D8%B9%D8%B1%D9%81%DB%8C%D9%91%D9%87)

     بالاترین مرتبه یقین، یقین انبیاء است که از مشاهده حضوری حاصل می‌شود.

    [[۹۵]](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot95) [↑](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot-main95)خمینی، روح الله، دانشنامه امام خمینی، ج۱۰، ص۵۱۴، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۰۰. [↑](#footnote-ref-14)
15. از [امام رضا (علیه‌السلام)](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B1%D8%B6%D8%A7_(%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85)" \o "امام رضا (علیه‌السلام)" \t "_blank) سؤال شد: یقین چیست؟ فرمود:  
    «[توکل بر خدا](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AA%D9%88%DA%A9%D9%84_%D8%A8%D8%B1_%D8%AE%D8%AF%D8%A7) و تسلیم او شدن و راضی به قضای الهی بودن و همه امور را به خدا واگذاردن.»

    [[۱۴]](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot14) [↑](#footnote-ref-15)
16. از [امام رضا (علیه‌السلام)](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B1%D8%B6%D8%A7_(%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85)) سؤال شد: یقین چیست؟ فرمود:  
    «[توکل بر خدا](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AA%D9%88%DA%A9%D9%84_%D8%A8%D8%B1_%D8%AE%D8%AF%D8%A7) و تسلیم او شدن و راضی به قضای الهی بودن و همه امور را به خدا واگذاردن.»

    [[۱۴]](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86#foot14) [↑](#footnote-ref-16)
17. از [امام رضا (علیه‌السلام)](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B1%D8%B6%D8%A7_(%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85)) سؤال شد: یقین چیست؟ فرمود:  
    «[توکل بر خدا](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AA%D9%88%DA%A9%D9%84_%D8%A8%D8%B1_%D8%AE%D8%AF%D8%A7) و تسلیم او شدن و راضی به قضای الهی بودن و همه امور را به خدا واگذاردن.»

    [۱۴]](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86#foot14) [مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، ج۶۷، ص۱۳۸.](http://lib.eshia.ir/71860/67/138/%D9%81%D8%A3%D9%8A)     [↑](#footnote-ref-17)
18. از [رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم)](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B1%D8%B3%D9%88%D9%84_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_(%D8%B5%D9%84%DB%8C%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%87%E2%80%8C%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%E2%80%8C%D9%88%E2%80%8C%D8%A2%D9%84%D9%87%E2%80%8C%D9%88%D8%B3%D9%84%D9%91%D9%85)" \o "رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم)" \t "_blank) نقل شده که فرمود:  
    «از [جبرئیل](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AC%D8%A8%D8%B1%D8%A6%DB%8C%D9%84" \o "جبرئیل" \t "_blank) پرسیدم تفسیر یقین چیست؟ گفت: مؤمن به گونه‌ای برای خدا عمل کند که گویا او را می‌بیند، و اگر او خدا را نمی‌بیند، خدا او را می‌بیند. و یقیناً بداند که آنچه به او رسیده ممکن نبود از او بگذرد و آنچه از او گذشته ممکن نبود به او برسد.»

    |  |
    | --- |
    | [↑](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot-main12)[مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، ج۶۷، ص۱۷۳.](http://lib.eshia.ir/71860/67/173/%D9%84%D8%AC%D8%A8%D8%B1%D8%A6%D9%8A%D9%84" \o "مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، ج67، ص173." \t "_blank) |
    | [↑](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot-main13)مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ایمان و کفر، ترجمه الإیمان و الکفر بحار الانوار، ج‌۱، ص۶۱۶. |

    [↑](#footnote-ref-18)
19. **\_** کسی که صاحب یقین باشد دارای یک نوع [آرامش روحی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A2%D8%B1%D8%A7%D9%85%D8%B4_%D8%B1%D9%88%D8%AD%DB%8C) و [اطمینان قلب](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B7%D9%85%DB%8C%D9%86%D8%A7%D9%86_%D9%82%D9%84%D8%A8) بوده و حوادث، سختی‌ها و مشکلات او را مضطرب و نگران نمی‌سازد؛ بلکه همه مصیبت‌ها و ناگواری‌ها در نظرش آسان گردیده و کوچک می‌شود.  
    [امام صادق (علیه‌السلام)](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B5%D8%A7%D8%AF%D9%82_(%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85)) می‌فرماید:  
    «انِّ اللهَ تعالی بعَدلِهِ و قسطِهِ جَعَلَ الرَّوحَ و الرّاحةَ فی الیَقینِ و الرِّضا و جَعلَ الهَمَّ و الحُزنَ فی الشَّکِّ و السَّخَط؛ [↑](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86#foot-main30)کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، چ بیروت. ‌ ج۲، ص۵۱.

    [ خداوند به [عدل](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D8%AF%D9%84) و داد خود نشاط و [آسایش](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A2%D8%B3%D8%A7%DB%8C%D8%B4) را در یقین و [رضا](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B1%D8%B6%D8%A7) قرار داده است و [غم](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%BA%D9%85) و‌ اندوه را در شک و ناخوشنودی.»کسی که صاحب یقین باشد دارای یک نوع [آرامش روحی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A2%D8%B1%D8%A7%D9%85%D8%B4_%D8%B1%D9%88%D8%AD%DB%8C) و [اطمینان قلب](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B7%D9%85%DB%8C%D9%86%D8%A7%D9%86_%D9%82%D9%84%D8%A8) بوده و حوادث، سختی‌ها و مشکلات او را مضطرب و نگران نمی‌سازد؛ بلکه همه مصیبت‌ها و ناگواری‌ها در نظرش آسان گردیده و کوچک می‌شود. [↑](#footnote-ref-19)
20. دومین نتیجه پرثمر یقین، [صبر](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D8%A8%D8%B1) و استقامت در برابر مشکلات زندگی است. [حضرت علی(علیه‌السلام)](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA_%D8%B9%D9%84%DB%8C_(%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85)) می‌فرماید:الصَّبرُ ثَمَرةُ الیقین؛ [↑](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86#foot-main31)خوانساری، محمد، شرح غررالحکم، ج۱، ص۱۳۳.

    :  
    «اگر نه این بود که (برخی از ما [مسلمانان](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B3%D9%84%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%A7%D9%86)) دچار ضعف یقین هستیم، این‌گونه نبودیم که زبان به شکایت بگشاییم در برابر سختی کمی که امیدواریم در آینده نزدیک یرطرف شود و در آینده دور (قیامت) ثواب بزرگ آن نصیب مان گردد.» [↑](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86#foot-main32)ابن ابی الحدید، فخرالدین، شرح نهج‌البلاغه، ج۲۰، ص۲۵۵. [↑](#footnote-ref-20)
21. [↑](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86#foot-main33)خوانساری، محمد، شرح غررالحکم، ج۴، ص۳۶۹. کسی که صاحب یقین باشد اعمال و نیات او خالص است و جز رضای خدا کسی و چیزی رادر نظر ندارد.علی (عليه‌السلام:غایةُ الیقینِ الاخلاصُ؛ نهایت درجه یقین، اخلاص است.» [↑](#footnote-ref-21)
22. از دیگر آثار و ثمرات یقین زهد است؛ زیرا کسی‌که یقین به فنا و زوال دنیا دارد، هیچ‌گاه به آن دل نمی‌بندد.  
    امام علی (عليه‌السلام) فرمود:الزُّهدُ ثَمَرةُ الیَقینِ؛ [↑](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86#foot-main34)خوانساری، محمد، شرح غررالحکم، ج۱، ص۱۲۵.زهد ثمره یقین است [↑](#footnote-ref-22)
23. کسی که یقین دارد در عالم هستی مؤثری جز خدا نیست، در تمام امورش فقط به خدا [توکل](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AA%D9%88%DA%A9%D9%84) نموده و اعتمادش تنها به قدرت لایزال الهی می‌باشد که یکی دیگر از آثار یقین است.علی (عليه‌السلام) می‌فرماید: «التَّوَکُّلُ من قُوَّةِ الیقین؛ توکل نشانه قوّت یقین است. [↑](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot-main35)خوانساری، محمد، شرح غررالحکم، ص۱۸۴. [↑](#footnote-ref-23)
24. از جمله ثمرات ارزشمند دیگری که یقین در پی دارد، رضا و تسلیم است زیرا فرد صاحب یقین تمامی امور را از سوی خداوند می‌داند و معتقد است که هیچ برگی از درختی نمی‌افتد مگر به اذن و اراده حق تعالی از این رو در برابر آنچه از سوی خداوند برای او مقدّر شده باشد راضی بوده و در برابر قضای الهی تسلیم است.امام علی (عليه‌السلام) می‌فرماید:الرِّضا ثَمَرَةُ الیَقینِ[مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج۷۱، ص۱۵۲، اسلامیه.](http://lib.eshia.ir/11008/71/152/%D8%A8%D9%85%D9%83%D8%B1%D9%88%D9%87)      
    امام صادق (عليه‌السلام) می‌فرماید:الرِّضا بِمکروهِ القضاءِ مِن اعلی دَرجاتِ الیَقینِ؛ خوانساری، محمد، شرح غررالحکم، ج۱، ص۱۹۰. [↑](#footnote-ref-24)
25. کسی که صاحب یقین باشد، انفاق کردن اموال، در راه خدا، برایش آسان است، زیرا او یقین دارد که هر چه را [انفاق](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%86%D9%81%D8%A7%D9%82) کند عوض آن را می‌گیرد، چرا که این وعده خداوند است و یقین دارد که حق تعالی صادق‌ترین افراد در گفتار و وعده‌هایش می‌باشد.  
    پس در هنگام بخشش، دستش باز است و با جود و [سخاوت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%D8%AE%D8%A7%D9%88%D8%AA) بیشتری انفاق می‌کند.  
    امام علی (عليه‌السلام) می‌فرماید: «اِستَنزلُوا الرِّزقَ بِالصَّدَقَةِ وَ مَنْ اَیْقَنَ بالخَلَفِ جادَ بالعَطیَّةِ؛ [امام علی (علیه‌السلام)، نهج‌البلاغه، فیض، حکمت ۱۳۷-۱۳۸، ص۳۳۸.](http://lib.eshia.ir/26580/1/338/137)    با دادن [صدقه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D8%AF%D9%82%D9%87) [روزی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B1%D9%88%D8%B2%DB%8C) را طلب کنید، چون کسی که به گرفتن عوض یقین دارد در بخشیدن سخاوتمند است.» [↑](#footnote-ref-25)
26. [امام خمینی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AE%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C) نیز برای یقین آثاری را برمی‌شمارد:  
    ۱- [توحید فعلی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AA%D9%88%D8%AD%DB%8C%D8%AF_%D9%81%D8%B9%D9%84%DB%8C): اهل یقین از لحاظ کمالات معنوی به جایی می‌رسند که تمام اسباب ظاهر و موثرات صوری و دنیایی را تحت [اراده ازلی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D8%AF%D9%87_%D8%A7%D8%B2%D9%84%DB%8C) حق می‌داند.[۳۹]

    ۲- [سکون](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D9%86) و [آرامش](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A2%D8%B1%D8%A7%D9%85%D8%B4): شخصی که به مرتبه یقین می‌رسد، دارای سکون و آرامش است و درباره کم و زیاد شدن [رزق](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B1%D8%B2%D9%82) و روزی‌اش نگرانی ندارد، لذا طلب او در تحصیل معیشت با طلب اهل [شرک](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%B1%DA%A9) و [شک](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%DA%A9) متفاوت است.  
    ۳- [اصلاح نفس](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD_%D9%86%D9%81%D8%B3): اهل یقین در اصلاح نفس خود کوشش می‌کنند و اعضا و جوارح خود را از وقوع در [معاصی](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%B5%DB%8C) نگه می‌دارد40.

    ]  
    ۴- رضا به [قضای الهی](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%B6%D8%A7%DB%8C_%D8%A7%D9%84%D9%87%DB%8C): اهل یقین به آنچه بر ایشان مقدر شده، راضی بوده و تمام مصیبت‌ها و بلاها برای آنان آسان می‌شود.41[

    5- گناه نکردن: کسی که به بالاترین مرحله یقین رسیده و همه عالم را محضر خداوند می‌داند، امکان ندارد که مرتکب [گناه](https://fa.wikifeqh.ir/%DA%AF%D9%86%D8%A7%D9%87) شود.42

    |  |  |
    | --- | --- |
    | ۳۹. | [↑](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot-main39)[خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، ص۵۶۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸.](https://lib.eshia.ir/11148/1/561/%D8%A7%D9%88%D8%B3%D8%AA" \o "خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، ص561، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1388." \t "_blank) |
    | ۴۰. | [↑](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot-main40)[خمینی، روح الله، جهاد اکبر، ص۳۳، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷.](https://lib.eshia.ir/11145/1/33/%DA%A9%D9%88%D8%B4%D8%B4" \o "خمینی، روح الله، جهاد اکبر، ص33، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1387." \t "_blank) |
    | ۴۱. | [↑](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot-main41)[خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، ص۵۶۴، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸.](https://lib.eshia.ir/11148/1/564/%D8%B1%DA%A9%DB%8C%D9%86" \o "خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، ص564، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1388." \t "_blank) |
    | ۴۲. | [↑](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \l "foot-main42)امام خمینی، روح‌الله، جهاد اکبر، ص ۳۳. |

    [↑](#footnote-ref-26)